

مهاسوکه (لذت جاودانه) در آئین تتره بودایی^۱

سعید گراوند^۲

دانشیار ادیان و عرفان، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

لیلا مفاخری

دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته ادیان و عرفان، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

چکیده

مهاسوکه در آئین تتره بودایی به معنای لذت جاودانه است. این مرتبه از شکوفایی معنوی قلمرو عاری از تفکر مرسوم و آداب و رسوم متعارف و متعالی‌ترین مقام بودایی است که از آن به فراتر رفتن از ساحت تغییر و وجود و رسیدن به مقام کمال مطلوب تعبیر می‌شود. در آئین تتره بودایی گفته می‌شود که امکان دستیابی به مهاسوکه (لذت جاودانه) در ضمن مراسم و صور آئینی از طریق انجام اعمال یگه‌ای اعم از جسمی و جنسی، در همین جهان برای همه انسان‌ها اعم از خوب و بد، برتر و فروتر، لایق و نالایق امکان‌پذیر است. به نظر می‌رسد که این تلقی از سعادت نامتناهی از آنجا ناشی می‌شود که در جهان‌بینی تتره‌ای، انسان بنیاد اندیشه است نه خدا. افزون بر آن، لذت جاودانه از طریق تن آدمی در همین جهان تحقق می‌یابد. زیرا تن نه توده‌ای مادی بلکه نیایشگاه مقدسی است که از طریق آن انسان می‌تواند به مقام خوشبختی دست یابد. به علاوه، در این آئین لذت جاودانه از طریق مشارکت و سهم شدن در روشن‌شدگی بودای درون، دهرمه کایه یا وجره ستوه، و اتحاد پرچنا و اوپایه تحقق می‌یابد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که مهاسوکه مطلوب غایی همه انسان‌ها است. چیزی که انسان‌ها آگاهانه یا ناآگاهانه در پی آن بوده و هستند. در نتیجه آئین تتره بودایی یکی از نخستین طریقت‌های باطنی در تفکر شرقی است که به تبیین یک نظام کهن مبتنی بر شکوفایی معنوی پرداخته است، نظامی که در آن زن و مرد از طریق انجام اعمال سرّی و مقدّس در راستای امکان نیل به مقام شکوفایی معنوی نقش قابل ملاحظه‌ای بازی می‌کنند.

کلید واژه‌ها

مهاسوکه، خوشبختی، لذت جاودانه، اعمال یگه‌ای، شکوفایی معنوی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱/۲۰

۲. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): Geravand_s@yahoo.com

مقدمه

انسان موجودی است که از دیر باز در پی رسیدن به مقام سعادت عظمی و لذت جاودانه است و به ضرورت و اهمیت این مسأله در زندگی دنیوی و اخروی پی برده است. اندیشه نیل به سعادت و لذت جاودانه در ادیان و مکاتب فکری گوناگون بازتاب یافته است و هر کدام از آنها بر اساس جهان بینی خاص خود و تفسیری که از انسان و هستی دارند، اندیشه‌های مربوط به سعادت و لذت جاودانه را شرح و تفسیر کرده‌اند. مکاتب مختلف کهن هر یک به گونه‌ای این مفهوم را که در سنت تنتره بودایی از آن به مهاسوکفه یا لذت جاودانه تعبیر می‌شود، در خود جای داده و کارکردی ویژه برای آن در نظر گرفته‌اند.

قبل از بحث و بررسی اصل مسأله در این پژوهش جهت ایضاح مبانی نظری تحقیق سعی بر آن است که دانسته شود در سنت تنتره بودایی مهاسوکفه یا لذت جاودانه چیست؟ آیا لذت جاودانه و سعادت عظمی چیزی از جنس ادراک عقلی و ذهنی است یا وضعیتی کامل‌تر که همه اینها را در بر می‌گیرد؟ آیا مهاسوکفه و لذت جاودانه در همین جهان از طریق جسم و لذات جسمانی تحقق می‌یابد یا خیر؟ به نظر می‌رسد که مهاسوکفه مطلوب غایی و نهایی همه انسان‌ها است. چیزی که همه انسان‌ها آگاهانه یا ناآگاهانه در پی آن هستند و تمایلات اصیل آدمی آن را تأیید می‌کند. در این جستار نخست برای ایضاح مسأله مورد بحث از تبیین مفهوم رستگاری به معنای سعادت بشری و لذت جاودانه سخن به میان می‌آید. سپس به سؤالاتی از این دست در متن مقاله پاسخ داده می‌شود: عناصر اصلی مهاسوکفه (لذت جاودانه) در آئین تنتره بودایی کدام‌اند؟ آیا لذت جاودانه (مهاسوکفه) امری حقیقی است یا اعتباری؟ آیا لذت جاودانه و سعادت عظمی امری ذاتی است یا اکتسابی؟ آیا لذت جاودانه و سعادت عظمی امری دنیوی است یا اخروی؟ آیا لذت جاودانه امری آرمانی است یا وضعیتی دست‌یافتنی؟ در آئین تنتره بودایی چه نسبتی میان لذت جاودانه، بیداری وجود و اعمال سرّی وجود دارد؟ چه نسبتی میان لذت جاودانه و اعمال یُگه‌ای وجود دارد؟ اوراد و اذکار (منتره‌ها) چه نقشی در امکان نیل به سعادت آدمی دارند؟

مفهوم رستگاری

رستگاری اساساً به معنای رهایی بشر است از شرایط منفی و نامطلوب در وضعیتی که

خطرهایی از قبیل رنج، فنا و مرگ، انسان را بالقوه یا بالفعل تهدید می‌کند، در برخی از سنن دینی نیز رستگاری به معنای احیاء و بازسازی زندگی در راستای سعادت و لذت جاودانه است.^۱

رستگاری در ادیان تاریخی به معنای رهایی یافتن از گناهان و یا عقوبت گناهانی است که به واسطه نافرمانی از اوامر الهی گریبان‌گیر آدمی می‌شود. نجات در این ادیان منجر به بازگشت انسان به شرایط سعادت حقیقی و دریافت فیض و برکت ابدی می‌شود، که مستلزم آمیزه‌ای از لطف الهی و تلاش آدمی است. در ادیان هندو-بودایی گناه جای خود را به نادانی می‌دهد. از نظرگاه این ادیان، جهل موجب گرفتار شدن انسان در چرخه سمساره می‌شود و لذت جاودانه به معنای رهایی از چرخه سمساره به واسطه غلبه بر جهل و از میان برداشتن حجاب‌های نادانی می‌باشد.^۲

نمی‌توان انکار کرد که آئین بودا مانند هر آئین دیگری، عقاید اصیل و خاص خود را پیرامون لذت جاودانه و سعادت آدمی دارد.^۳ مجموعه‌ای از اصطلاحات در دین بودا برای رستگاری و لذت جاودانه (سعادت عظمی) به کار رفته‌اند، از جمله مکتی، وی‌مکتی، مکشه، وی‌مکشه، بودی، سمبودی، نیروانه و... بنا به سنت بودایی به لحاظ نجات بخشی دو هدف وجود دارد، متولد شدن در بهشت سوارگه^۴ یا رهایی (مکشه).^۵

در تفکر بودایی رستگاری به معنای دستیابی به لذت جاودانه است، یعنی فراتر رفتن از هستی و نیستی و رسیدن به لذت جاودانه و سعادت. نیروانه، برترین و آخرین مقصد آئین بودا می‌باشد که به معنای خاموشی نهایی و مطلق آز، کینه، فریب و تشنگی است، که با رهایی از تولدهای مجدد، پیری، بیماری و مرگ و وارستگی از هر نوع دلبستگی همراه است.

1. Benton, "Salvation", *Encyclopedia Britannica*, Macropedia, vol.1, Chicago, 1973, p.10.

۲. راداکریشن، سروپالی، تاریخ فلسفه شرق و غرب، ترجمه خسرو جهانداری، ج ۱، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۶۷ش، ص ۶۲.

3. Wangchuk, Dorji, *The Resolve to Become a Buddha A Study of the Bodhicitta Concept in Indo-Tibetan Buddhism*, Tokyo, International Institute for Buddhist Studies, 2007, p.30.

4. Svarga

5. Wayman, "Buddhist Soteriology", *Encyclopedia of Religion*, Vol.13, p.425.

در سنت هینه‌یانه، نجات به معنای رسیدن به مقام ارهت، یا نیل به مقام انسان کامل است. بنا به اعتقادات این مکتب، ارهت بالاترین مقامی است که در سلوک معنوی انسان از طریق مجاهده حاصل می‌شود. راهبانی که به حقیقت رنج در هستی آگاه‌اند و اعمال خالصانه و شریف بودایی را به جای می‌آورند، خود را آماده نیل به مقام ارهت می‌کنند.^۱ آنها در حیات کنونی به مقام ارهت می‌رسند و در این حالت است که آنها را جیوان مکتی یا زنده آزاد می‌خوانند. برای رسیدن به مقام ارهت سالک باید سه پلیدی را از خود دور کند؛ اول پلیدی امیال، دوم پلیدی اعمالی که منجر به بازپیدایی می‌شود، و سوم پلیدی جهل.^۲ با رفع این ناپاکی‌ها شخص آماده ورود به راه‌های هشت‌گانه نجات می‌شود که عبارت‌اند از: نیت، ایمان، گفتار، کردار، معاش، پندار، کوشش و مراقبه درست. شخص با کسب این فضایل، به لذت جاودانه می‌رسد.

از سویی دیگر، شگفت است که پیروان مهاییانه طرح نجات فردی هینه‌یانه را کامل نمی‌دانند، و طرح رستگاری جمعی را مطرح می‌کنند. هینه‌یانه یا ارهت‌یانه، گردونه کوچکی است که تنها می‌تواند یک انسان را به سلامت از کر مه عبور دهد و به لذت جاودانه برساند. اما مهاییانه یا بودی‌ستوه‌یانه، گردونه‌ای است که در آن بودی‌ستوه می‌تواند دیگران را هم در گردونه سعادت خویش قرار دهد و آنها را نیز به لذت جاودانه برساند. در مهاییانه هر کسی می‌تواند تعهد کند و بودا شود و به واسطه این عهد او وارد گردونه بودی‌ستوه می‌شود. هیچ چیزی نمی‌تواند مانع ورود به طریقت بوداهای آینده شود. بنابراین در تفکر مهاییانه بر خلاف هینه‌یانه که در آن تنها برگزیدگان و راهبان به لذت جاودانه دست می‌یابند، هرکس می‌تواند با فرونشاندن تمایلات خود و به یاری فضایل بودی‌ستوه‌ها به سعادت جاودانه دست یابد. هدف نهایی رستگاری در مهاییانه حصول مقام بودای کامل و لذت جاودانه است و کسی که به این مقام می‌رسد، در مقام سعادت عظمی و لذت جاودانه به طور مطلق و آزاد از هر قیدوبندی ساکن است.^۳ در مهاییانه بودا شدن و نیل به رستگاری تنها به واسطه بودی‌ستوه محقق می‌شود.

1. Wayman, p.423.

2. Rhys, Davids, "Arhat", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, James Hastings(ed.), New York, 1989, vol.1, p.774.

3. Poussin, DeLa Wallee, "Mahayana", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed.), vol.8, New York, 1989, p.332.

آئین تন্ত্রه بودایی حرکت در مسیر لذت جاودانه را سرعت می‌بخشد و سه ابزار جسم، کلام و ذهن را به ترتیب به واسطه مودرا و منتره و تمرکز عمیق (سمادهی) به کار می‌گیرد. این رده‌ها هم رتبه سه راز (جسم و کلام و ذهن بودا) هستند. تتریسیم تعالیمش را مطابق با توانایی‌های سالکان در چهار سطح کریا، چریا، یگه و آنوتره یگه تন্ত্রه^۱ ارائه می‌دهد. کریا تন্ত্রه‌ها برای کسانی هستند که از آئین‌های ظاهری بیش از مراقبه باطنی بهره می‌برند، چریا تন্ত্রه‌ها برای کسانی است که از شعایر ظاهری و باطنی به یک اندازه لذت می‌برند. یگه تন্ত্রه، برای کسانی است که از مراقبه باطنی بیش از مناسک ظاهری بهره می‌برند. و آنوتره یگه تন্ত্রه‌ها برای آنهایی هستند که به صورت کامل از مراقبه باطنی لذت می‌برند.^۲

با این اوصاف، به نظر می‌رسد که دیدگاه بودائیان درباره لذت جاودانه یکسان نیست، این آرمان بودایی به نسبت فرهنگ، دوره تاریخی، زبان، مکتب و حتی افراد گوناگون و متفاوت است. آئین تন্ত্রه بودایی بر این باور است که لذت جاودانه باید به صورت سهیم شدن در روشن‌شدگی بودای حقیقی یا دهرمه‌کایه درک شود. و به واسطه کاربرد آئینی مندله‌ها و منتره‌ها و مودراها است که کلام، عمل و اندیشه شخص تجلی عینی روشن‌شدگی خاص بودای کیهانی می‌شود. از نظر بزرگان این مکتب روشن‌شدگی و نیل به مقام لذت جاودانه در جسم و از طریق جسم تحقق می‌یابد.^۳

انسان کامل (سیده)

کاربرد اصطلاح «سعادت بزرگ» (مهاسوکه) و لذت جاودانه به عنوان توصیفی از هدف نهایی آئین تন্ত্রه بودایی بسیار قابل توجه است، زیرا این واژه تغییر ارزش معنا و مفهوم لذت جاودانه را در طریقت تন্ত্রه‌ای به خوبی نشان می‌دهد. همچنین گاهی به جای بوداگی یا مقام بودای کامل و جره دره‌گی^۴ به کار می‌رود، هر چند روشن نیست که آیا و جره‌دره

1. Kriya, Carya, Yoga, Anuttara Yoga Tantras
2. Wayman, Alex, *Buddhist Insight-Essays*, Edited with an Introduction by George Elder, Delhi, Motilal Banarsidass, 1984, vol.13, p.425.
3. Kasulis, P., "Nirvana", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade(ed.), New York, Macmillan, 1987, vol.10, p.453.
4. Vajradharahood

شدن به کلی با بودا شدن متفاوت است یا خیر؟ باری به واسطه پذیرش واژه «وجره» برای حالت مطلق است که آئین تنتره بودایی از اشکال پیشین آئین بودا یعنی هینه‌یانه و مهاییانه قابل تمایز می‌شود. پیروان مهاییانه هدف پیشین نیروانه را آنگونه که توسط یک ارهت به دست آمده با هدف روشن‌شدگی یک بودا جایگزین نمودند و پیروان تنتره نیز به نوبه خود بر حالتی از اشراق که مهاسوکه یا لذت جاودانه خوانده می‌شود متمرکز شدند. گفته‌اند که واژه وجره ستوه^۱ (زنده‌الماس گونه) تفسیری تنتره‌ای بودایی از برترین مقامی است که برای سالک قابل دستیابی است. و کسانی که به این مقام دست می‌یابند مهاسیده یا پیران طریق نامیده می‌شوند.^۲

برترین مقامی که در آئین تنتره بودایی می‌توان به دست آورد مقام سیده‌ی^۳ است و آن کس که به این مقام دست می‌یابد سیده‌ی، یعنی انسان کامل و عارف واصل است. این مقام به واسطه سه کمال، کمال در جسم، کمال در گفتار، و کمال اندیشه و ذهن برای آدمی حاصل می‌شود. پس آرمان سیده‌ی همچون آرمان بودا برای بودیسم اولیه و ارهت برای هینه‌یانه و بودی ستوه از نظر پیروان مهاییانه، سیده‌ی در مسیر راهنمایی چگونگی نیل به لذت جاودانه مظهر و نمونه یک شخص کامل با تمام ویژگی‌های خاص است.

مفهوم سیده‌ی که به معنای برخورداری از قدرت‌های فرا طبیعی و ذهنی است در همه سیستم‌های دینی هند فراگیر و رایج است، تقریباً تمامی مکاتب و ادیان هندی اهمیت زیادی برای یگه قائل‌اند، و بر این باورند که انجام اعمال یگه‌ای موجب نیل به این قدرت‌های فراطبیعی می‌شود. متون بودایی از ده نوع قدرت سخن می‌گویند، قدرت‌هایی از قبیل نامرئی شدن، رد شدن از مواد جامد، راه رفتن بر روی آب، پرواز در هوا برای لمس ماه و خورشید، صعود به برترین آسمان‌ها و غیره.^۴ شخصی که دارای این قدرت‌هاست سیده‌ی نام دارد. فهرست سیده‌ی‌های بودایی شامل ۸۴ سیده‌ی می‌باشد که بسیار مشهور و شناخته شده است. تاراناتا^۵ نویسنده مشهور تبتی سیده‌ی‌ها را در هفت سلسله و دودمان

1. Vajrasattva

2. Snellgrove, pp.129-130.

3. siddhi

4. Lokeshwarananda, Swami, *Studies on the Tantras*, Calcutta, the Ramakrishna Mission Institute of Culture, 1989, p.101.

5. Taranatha

گروه‌بندی نموده است.^۱ شناخت و دانش مربوط سیده‌های بودایی از زندگی‌نامه‌های حفظ شده در متون تبتی حاصل می‌شود. این زندگی‌نامه‌ها از چند خط تا صدها صفحه‌اند که بازگوی سلوک معنوی این پیران طریقت در مسیر روشن‌شدگی و سعادت می‌باشند. شرح حال سیده‌ها با لحن‌های خاص اسطوره‌ای و نمادین بیان شده است. سیده‌ها در عین حال که زنان و مردانی عادی بوده‌اند و در میان سایر مردم زندگی می‌کردند، حیاتشان پر از امور متعالی و ماورائی بوده است. بسیاری از این سیداهای مشهور نقش مهمی در انتقال سنت تنتره از هند به کشورهای تبت، چین و آسیای جنوب شرقی داشته‌اند. سیده‌ها در آغاز زندگی‌شان به عنوان افرادی عادی تصور شده‌اند، اما همه آنها یک حس مشترک نارضایتی از زندگی خود داشتند. در مورد اکثر آنها گفته شده که زمانی که به یک مرحله بحرانی در حیات دینیشان رسیده‌اند، با یک گوروی تنتره‌ای مواجه شده‌اند که راهنمای آنها در سیر و سلوک معنوی شده است. سیده‌ها همگی یک جریان آموزشی طولانی و طاقت‌فرسا تحت نظر گوروی خود به انجام رسانده‌اند. این تأکید بر اهمیت رابطه گورو و نومرید در زندگی‌نامه سیده‌ها بازتاب اهمیت بیداری فردی و ضرورت حضور گورو برای نیل به این هدف است. انجام ریاضت‌های سخت و اعمال طاقت‌فرسا در نظام‌های رهبانی برای تحقیر نفس و از بین بردن انانیت از امور اجتناب‌ناپذیر دوران شاگردی سیده‌ها در سفر معنوی آنها می‌باشد. بر عکس بودا به عنوان شخصی که جهان تاکنون به خود ندیده، و ارهت که مقام و کمالش پایین‌تر از بوداست، و بر خلاف بودی‌ستوه که اشراق و بیداری کامل خود را به تعویق می‌اندازد، سیده‌ها به عنوان شخصی تصویر شده است که به لذت جاودانه و اشراق کامل دست یافته است. تبیین این مفهوم فهم تنتره بودایی از امکان نیل به اشراق و لذت جاودانه را هر چه بیشتر در حیات کنونی تحقق می‌بخشد.

1. See: Chryssides, George, Wilkins, Margaretz, *A Reader in New Religious Movements*, New York, Continuum, 2006; Brooks, Douglas Renfrew, *The Secret of Three Cities, An introduction to Hindu Sakta Tantrism*, New Delhi, Munshiram Manoharlal, 1999.

نیروانه به عنوان لذت جاودانه

مفهوم نیروانه در تন্ত্রیسم بودایی با عنوان مهاسوکه^۱ یا سعادت عظمی و لذت جاودانه مورد اشاره قرار می‌گیرد. آن گونه که از مطالعات و بررسی محققان بر می‌آید، خود بودا هیچ تعریف دقیقی از نیروانه ارائه نداده است، وی همواره در پاسخ به سؤال از چیستی نیروانه می‌گفت: «شما باید نیروانه را درک کنید تا آن را بشناسید، نیل به نیروانه منجر به رهایی سمساره می‌شود و این به معنای رستگاری است». در قرن اول میلادی گزارش‌هایی دربارهٔ نیروانه وجود دارد اما هیچ اشاره‌ای به موقعیت فرد زمانی که در نیروانه است دیده نمی‌شود. برخی آن را با خاموشی یک چراغ مقایسه کرده‌اند، همان‌طور که یک چراغ با تمام شدن روغنش خاموش می‌شود، با پایان یافتن امیال رنج‌ها نیز پایان می‌یابد و شخص به خاموشی می‌رسد. در واقع این تفسیر هیینه‌یانه‌ای از نیروانه است. اما این خاموشی اسرارآمیز بودا دربارهٔ مفهوم نیروانه - که آن را به عنوان پاداشی برای نیل به سعادت عظمی و لذت جاودانه، به پیروانش وعده داده بود - برای پیروان مهاییانه قابل قبول نبود. آنها اعلام کردند که در واقع نیروانه چیزی جز شونیه^۲ (عدم) نیست. وضعیتی که به نظر مادیمیکه به معنای حالتی و رای هستی و نیستی است. این نظریه ناگارجونه، موسس مکتب مادیمیکه در قرن دوم میلادی رواج یافت. اما این تعریف ناگارجونه از شونیه نه فرهیختگان و نه عوام را اقناع نمود. آن حالتی متعال و فراتر از درک بشر بود و در واقع این ناخوشایندتر از سکوت رازآمیز بودا بود. پس از آن یگه‌چاریه‌ها با اینکه واژه شونیه را حفظ کردند اما مانند پیروان مادیمیکه آن را خلاء صرف در نظر نگرفتند، بلکه آن را شونیه‌ای مثبت با عنصر مثبت ویجانه^۳ تلقی نمودند. آن زمان بود که مردم نفس راحتی کشیدند، زیرا دیگر در نیل به نیروانه، شخص نه به انهدام و خاموشی مطلق می‌رسید و نه وارد حالتی غیر قابل تصور می‌شد. اما این درک یگه‌چاریه نیز تنها برای مدتی کوتاه کارآمد بود. پس از آن اندیشمندان تন্ত্রه‌ای با آموزه‌ای جدید دربارهٔ لذت جاودانه و سعادت بزرگ وارد میدان شدند و این

۱. داسگوپتا به نقل از کریه سمگراهه (kriya-samgrah) بیان می‌دارد که آیین بودایی سرّی یا تন্ত্রه‌ای به عنوان چرخ سعادت نامتناهی یا «مهاسوکه‌یانه» توصیف می‌شود.

Dasgupta, *An Introduction to Tantric Buddhism*, p.149.

2. sunya

3. Vijnana

آموزه جدید خود را با نام مهاسوکه‌واده^۱ ارائه نمودند.^۲

مهاسوکه (لذت جاودانه) سه عنصر دارد: شونیه، ویجانه و سعادت. آنها این ترکیب سه‌گانه شونیه را وجره خواندند. زیرا به عقیده آنها، کامل، بدون عیب و نقص، خلل‌ناپذیر و فناپذیر است. به عقیده آنها شونیه همان «نیراتما»^۳ است، ایزدبانویی که ذهن فرد را به صورت ابدی در آغوش می‌کشد. بنابراین پیروان تنتره لذت جاودانه و حالت ذهن در هنگام نیل به اشراق را به هم‌آغوشی با یک زن توصیف می‌کنند. از این روست که پیروان تنتره در سلوک معنوی خود نقشی ویژه برای عنصر زنانه یا شکتی قائل می‌شوند و بر این باورند که درک این ایزدبانو موجب رفع حجاب‌ها و درک ماهیت خلاء می‌شود، و رستگاری چیزی جز نیل به این ادراک و شناخت نیست. از این رو مفهوم مهاسوکه (لذت جاودانه) نقطه کمال مطلوبی است که همه اعمال و آیین‌های سرّی بودائیان پیرامون آن به وجود آمد و توسعه یافت.

همان‌طور که گفته شد مفهوم مهاسوکه در آئین تنتره از مفهوم نیروانه بودایی شکل گرفته است. و به لحاظ ریشه‌شناسی نیروانه به معنای توقف کامل چرخه بازپیدایی است، به هر حال از این مفهوم توقف کامل مفهوم آرامش کامل در نیروانه شکل گرفته است. اما این مسأله که نیروانه اساساً حالتی مثبت است یا منفی مورد نزاع بسیار است. با اینکه مفهوم نیروانه در متون فلسفی و قانونی کهن به صورت سلبی توصیف شده است، اما مفهوم مثبت نیروانه به عنوان سعادت و لذت جاودانه در قدیمی‌ترین متون مقدس بودایی نیز ناشناخته نیست. سخن نقل شده از بودا با این مضمون که مرتبه‌ای زاده نشده، بی‌آغاز، نامخلوق وجود دارد، و نیز خود این بیان که نیروانه پایان و مخالف رنج است، اشاره‌ای است به معنای مثبت نیروانه یا لذت جاودانه در متون کهن.^۴ بدون وارد شدن به جزئیات درباره این مسأله می‌توان گفت که در باور عمومی آنگونه که در آثار مشهور پالی دیده می‌شود، نیروانه امری مثبت تلقی شده است. اگرچه در ادبیات پالی از نیروانه به عنوان امری وصف‌ناپذیر سخن

1. Mahasukhavada

2. Bhattacharyya, Benoytosh, *An Introduction to Buddhist Esoterism, India, the Chowkhamba Sanskrit Series Office, 1964, pp.25-27.*

3. Niratma

4. Joshi, Lamani, *Studies in the Buddhistic Culture of India, Delhi, Motilal Banarsidass, 1998, pp.293-294.*

رفته است. اما در توصیفات شاعرانه از نیروانه می‌بینیم که آن به صورت متعال، آرام، ناب، شگرف و عالی، آسوده و ساکن، تغییرناپذیر، ابدی، حقیقی، بی‌کران و نامحدود، زاده نشده، نامخلوق، یگانه و خوبی کل توصیف شده است. نیروانه پناهگاه، غاری خنک، جزیره‌ای میان طوفان‌ها و سیل‌ها، مکان سعادت، رستگاری، رهایی، خانه سکون و آرامش، درمان و پایان همه رنج‌ها، راسخ و قاطع، مائده بهشتی، لذت جاودانه، فناپذیر و پایدار، ساحل دیگر، بی‌پایان، سعادت و لذت متعال، وصف‌ناپذیر، شهر مقدس و غیره است. علاوه بر این در بسیاری از متون مشهور پالی از نیروانه، نه تنها به عنوان چیزی مثبت، بلکه به عنوان حالتی از لذت و سعادت نامتناهی سخن رفته است.

اگرچه نظریه کاملاً تکامل یافته درباره نیروانه به عنوان مهاسوکه (سعادت نامتناهی، یا لذت متعال) توسط پیروان طریقت سهجه بسط یافته است، اما مفهوم مهاسوکه به عنوان هدف مجاهده و تلاش معنوی، در بسیاری از متون سری بودایی یافت می‌شود. برای مثال واژه مهاسوکه در گوهیه سماج تنتره^۱ یافت می‌شود. همچنین مهاسوکه ماهیت ذاتی حقیقت غایی است، که بهگوان^۲ یا وجره ستوه نیز خوانده می‌شود. به بیانی دیگر، حقیقت غایی از ماهیت سعادت برتر و نامتناهی برخوردار است. این حالت اتحاد شونیتیه و کرونا، یا پراجنا و اوپایه است. در واقع مهاسوکه پراجناوپایه^۳ است، آمیزشی واحد از خرد و وسیله. مهاسوکه حقیقت وصف‌ناپذیر، خرد همه تهاگته‌ها^۴ است و برترین شکل از میان همه اشکال خوشبختی و سعادت جاودانه است.^۵

مهاسوکه تجربه واقعی سعادت جاودانه است، تجربه‌ای کامل، جسمانی و روانی، که از لذت تهی شدن از اندیشه‌ها و افکار استدلالی ناشی می‌شود. تجربه‌ای که در آن شخص به واحد می‌پیوندد، مهاسوکه حالت اشراق کامل، و در حقیقت بیداری وجود است، این تجربه معنوی ثمره عمل وجره یوگینی است، که تنها از این‌همانی کامل با ذهن خرد بیدار شده، یعنی وجره یوگینی، حاصل می‌شود. بنا به گزارش متون تنتره‌ای، مهاسوکه و تفکر

1. Guhyasamāja Tantra

2. Bhagvan

3. Prajnopaya

4. Tathagat

5. Dasgupta, ShashiBhusan, *Obscure Religious Cultes*, Calcutta, Calcutta University Press, 1946, pp.35-37; Joshi, pp.293-294.

شهودی جدایی ناپذیرند، بنابراین عمل و جریویگینی منجر به این تجربه لذت و سعادت متعال می‌شود. زیرا جریویگینی ذات تفکر متعالی و خرد ناب است. تجربه مهاسوکه، یا خرد سعادت و خلأ، درک و تحقق مهمودرا است، که اصل سنت آنوتره تন্ত্রه است. تجربه مهمودرا برای درک این است که حقیقت لفظی، حقیقت نمادین و حقیقت مطلق، واقعا امری واحد هستند، آنها در نقطه و مکانی واحد رخ می‌دهند. تجربه مهمودرا، رهایی از زندانی است که بینش ثنوی و دوگانه برای انسان می‌سازد. این تجربه، ادراک جاودانه ذات حقیقت است، تجربه‌ای که وصف‌ناپذیر است.^۱

در تন্ত্রه‌های بودایی عنصر نیروانه به عنوان لذت جاودانه توصیف شده است، آن منزل و مسکن لذت و رستگاری است، آن مهاسوکه خوانده شده که نه تغییر و نه نقص دارد. آن هسته و تخم همه ذوات است، آن برترین مقام برای کسانی است که به کمال مطلوب دست یافته‌اند؛ آن بالاترین مکان بوداها است و منزل سعادت عظمی^۲ نامیده می‌شود.

اما این سعادت، اغلب به عنوان یک ساختار ذهنی صرف تصور شده در حالی که نیروانه نابودی هر نوع ساختار ذهنی است؛ از این رو، گفته شده است که یکی دانستن حالت نهایی با سعادت و لذت^۳ اشتباه محض است. نه مفهوم مثبت این مرحله و نه مفهوم منفی یا هر ساختاری از این نوع نمی‌تواند به روشن‌شدگی کامل منتهی شود. هیچ تفاوتی بین یک زنجیره آهنی و یک زنجیر طلائی نیست. زیرا هر دو انسان را به بند می‌کشند و بنابراین از هر دو باید اجتناب نمود. به علاوه گفته شده که انسان عاقل هرگز به هیچ ساختار فکری درباره حال غایی وارد نمی‌شود، زیرا هیچ تفاوت اساسی بین یک ساختار فکری خوب با یک ساختار فکری بد وجود ندارد؛ زیرا هر دو انسان را در جهان سمساره محدود می‌کنند و به بند می‌کشند. بنابراین تأکید شده است که نیروانه با لذت اشتباه نشود، با این حال در آئین تন্ত্রه نیروانه همواره به عنوان مهاسوکه یعنی لذت جاودانه توصیف شده و با آن یکی دانسته شده است. حامیان نظریه لذت جاودانه و سعادت عظمی دیدگاه خود را با توصیف مهاسوکه به عنوان فراتر رفتن از هر نوع ساختار فکری توجیه می‌کنند،

1. Trungpa, Chogyam, *The Heart of the Buddha*, Boston & London, Shambhala,

2010, p.134.

2. Sukhāvati

3. sukha

زیرا این مرتبه از لذت نامتناهی یک شور و هیجان کاملاً ناب است که در آن همه فعالیت‌های ذهنی و عقلی مطلقاً از بین می‌روند.^۱

لذت جاودانه (مهاسوکه) به مثابه حقیقت غایی

همان‌طور که در فرقه مهاییانه اغلب از نیروانه به عنوان حقیقت غایی و دهرمه‌کایه سخن می‌گویند، در سنت تন্ত্রه‌ای نیز ماهیت مهاسوکه به صورت‌های مختلف به عنوان حقیقت غایی توصیف شده که از وجود و عدم فراتر است و به بیان دقیق‌تر، مهاسوکه نه آغاز دارد، نه میانه و نه پایان. آن نه وجود است و نه عدم. این لذت نامتناهی و سعادت بزرگ نه نفس است و نه غیر نفس.

در تন্ত্রه‌های بودایی مهاسوکه به عنوان پروردگار و جره‌ستوه توصیف شده که ذاتش اتحاد پرچنا و اوپایه است. و جره‌ستوه، جوهر غیر ثنوی همه موجودات است. علاوه بر این گفته شده که مقام تفکر یا خرد کامل هرگز بدون این لذت جاودانه ممکن نمی‌شود؛ چرا که تفکر متعالی خود در اصل سعادت و لذت جاودانه است. همه اشیاء بالذات مهاسوکه هستند، اما به سبب جهل و غفلت است که ما این واقعیت را درک نمی‌کنیم. همه امور از سعادت متعال یا مهاسوکه نشأت می‌گیرند. گفته می‌شود که معرفت کاملاً ناب که در ذات خود پرچنا است، و و جره‌ستوه خوانده شده، لذت جاودانه و سعادت متعال نیز خوانده می‌شود. هوجره تন্ত্রه^۲، به صورت کامل ماهیت سعادت نامتناهی را به مثابه حقیقت غایی وصف نموده است. آن دهرمه‌کایه است، آن همان خداوند بوداست.^۳

اما مسأله این است که آیا مهاسوکه و لذت جاودانه در همین جهان از طریق جسم و لذات جسمانی تحقق می‌یابد یا نه؟ پاسخ این است که سعادت نامتناهی و لذت جاودانه، اصلاً بدون حضور و تجربه جسم ممکن نمی‌شود. زیرا بدون جسم هیچ‌کس حتی قادر به سخن گفتن از خوشبختی نخواهد بود. در واقع لذت جاودانه، به مثابه حقیقت متعال و

1. Dasgupta, ShashiBhusan, *An Introduction to Tantric Buddhism*, Calcutta, Calcutta University Press, 1950, pp.149-151.

2. Hevajra-Tantra

3. Dasgupta, *Obscure Religious Cults*, p.29; Idem, *An Introduction to Tantric Buddhism*, pp.151-152.

غایی تنها می‌تواند به واسطهٔ جسم درک شود و ضرورت جهان اشیاء و پدیده‌ها از این روست. اگرچه هر چیزی ذاتاً چیزی جز سعادت و لذت نباشد و خود سعادت بر کل جهان نافذ و ساری است؛ اما همان‌طور که بوی یک گل بدون گل نمی‌تواند درک شود، به همان صورت سعادت نیز به عنوان ذات همهٔ آن‌چه که خلق شده نمی‌تواند هرگز بدون جهان مخلوقات درک شود. داسگوپتا از گوهیه سیدهی^۱ نقل می‌کند که از طریق اتحاد عنصر خلأ و وجره، حقیقت متعال به شکل سعادت و لذت جاودانه خلق شده که ذاتاً غیر قابل توصیف است. این همان بودی‌چیتة فرا طبیعی و متعال است. جالب است که لذت و سعادت که از طریق برخی علت‌ها به وجود آمده، خود علت سمساره را نابود می‌کند؛ سعادت متعال دارای ماهیت معرفتی است که خود به وجود آمده بدون اینکه شامل هیچ‌گونه ساختار ذهنی باشد. ماهیت مهاسوکه نمی‌تواند از طریق نظریه‌های مربوط به تهیت و هر ساختار نادرست دیگر درک شود. مهاسوکه، تفکری غیرثنوی و واحد است. همه هستی‌ها، ساکن یا پویا نهایتاً در حالت عدم ثنویت می‌مانند - آنها به ذات از آغاز ناب‌اند. صفت غیرثنوی و عدم دوگانگی نیز نامی صرف برای این ذات و حقیقت غایی است، که در آنجا این نام نیز باقی نمی‌ماند و این عدم دوگانگی که در آن نه فاعل شناسا وجود دارد و نه موضوع شناسا (عارف و معروف)، چیزی است که در مقام اتحاد پرجنا و اوپایه در آئین تنتره بودایی مهاسوکه یا لذت جاودانه خوانده می‌شود.^۲

در وجره‌یانه واقعیت غایی با مفهوم پروردگار متعال در مقام وجره-دره^۳ یا وجره-ستوه یا به طور ساده، پروردگار یکی دانسته شده است. اینجا در تشریح مهاسوکه نیز می‌بینیم که زمانی که مهاسوکه با حقیقت غایی یکی دانسته می‌شود، به شیوهٔ متفاوتی پروردگار متعال تلقی می‌گردد. گاهی اوقات می‌بینیم که الههٔ متعال، شونیتة عمیقاً پروردگار مهاسوکه را در آغوش کشیده است، گاهی اوقات می‌شنویم که پروردگار شری-مهاسوکه به همان صورت دارای شکل لذت جاودانه و سعادت متعال است، علاوه بر این گاهی اوقات، پروردگار مهاسوکه به عنوان خدای لذت جاودانه مورد تهنیت قرار گرفته است. گفته شده همان‌گونه که همهٔ تعالیم و آموزه‌های بودا توسط خود بودا تبیین شده‌اند، راز

1. Guhya-siddhi

2. Dasgupta, *An Introduction to Tantric Buddhism*, pp.153, 154.

3. vajra-dhara

وجود مطلق و حقیقت غایی در ادبیات تنتره‌ای توسط پروردگار مهاسوکه یا خدای لذت جاودانه تشریح شده است.

بیداری ذهن و اعمال یگه‌ای

در سنت سیده چاریه یا «پیران طریقت» تأکید خاصی بر کایه سادنا^۱ یعنی انجام تمرین‌های یگه‌ای شده است. کایه سادنا شامل هر نوع مجاهده و کوششی برای تربیت معنوی و تکامل جسم است. پیروان اخیر سیده چاریه این مرحله از مراقبه را در ساحت نظر و عمل به حد اعلای خود رسانده‌اند. از نظر سیده چاریه‌ها (انسان‌های کامل) تکامل جسم می‌تواند به شیوه‌های مختلف حاصل شود، که مهم‌ترین این شیوه‌ها، قوس صعودی بودی چیتیه یا بیداری ذهن است. زمانی که ذهن به سوی مراکز بالا حرکت می‌کند، قوای ذهنی نوعی حرکت در مسیر بازگشت به درون انجام می‌دهند، در این حالت است که بودی چیتیه نیز می‌تواند به سوی برترین جایگاه خود که در ناحیه سر قرار دارد، حرکت کند.^۲

انجام عمل یگه‌ای برای آماده ساختن جسم و سپس فهم حقیقت است که در میان سیده چاریه‌ها و به ویژه ناته سیده^۳ بسیار مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین کایه سادنا صورتی از صور برتر و متعال یگه است که هرگز نباید بدون آمادگی جسمانی به آن وارد شد. در سنت تنتره‌ای برای آماده‌سازی جسم و قوای جسمانی، اعمال هته یگه بیشتر مقبول است. به این دلیل که سیده چاریه‌های بودایی در زمینه سلوک عملی هته یوگین‌های بزرگی بودند. بدین ترتیب در سروده‌های سیده‌ها اشارات زیادی به آمادگی جسم از طریق هته یگه می‌شود. باری بودی چیتیه یا بیداری وجود دو جنبه دارد، جنبه نا آرام که در شکل لذت جنسی که سموریتته^۴ خوانده می‌شود به ظهور می‌رسد. وجه دیگر بودی چیتیه، جنبه آرام و بی حرکت لذت جاودانه و سعادت نامتناهی است که به ویوارته^۵

-
1. kāya-sādhana
 2. Lokeshwarananda, p.107.
 3. natha-siddha
 4. samvrta
 5. vivrta

موسوم است. این ابعاد آرام و ناآرام بودی چیتته، از یک سو نشان دهنده جنبه عاریتی و از سوی دیگر نماد وجه پایدار حقیقت غایی در فلسفه مهاییانه هستند.^۱

بر این اساس برای ظهور بیداری ذهن از طریق اتحاد پرجنا و اوپایه، و سپس برای تغییر جنبه آرام و ناآرام لذت جاودانه، بودی چیتته به کار گرفته می‌شود. به این صورت که اگر سعادت ایجاد شده از طریق اتحاد پرجنا و اوپایه در نیمه چکره که مکان اسارت و رنج است باقی بماند یوگی در اسارت جهان مادی باقی خواهد ماند. اما اگر بودی چیتته پس از ظهور از مراحل و مقامات معروف به بودی چیتته به سوی مقام بالاتر حرکت کند و به بالاترین مقام یعنی دهرمه مگه^۲ یا میغ دهرمه برسد برای همیشه از رنج و اسارت جهان رهایی می‌یابد، از این رو، طریقت تنتره بر این اعتقاد است که سعادت و لذت جاودانه باید از طریق چکره‌های مختلف به سوی مراکز بالاتر حرکت کند و نهایتاً به ذات آدمی برسد.^۳

اسامی کاندالی^۴ و دومبی^۵ برای اشاره به منازل مختلف سیر و سلوک در آیین شکتی به کار می‌روند. در سهجه یانه، شکتی به عنوان سهجه سوا روپه^۶ تفسیر می‌شود که در نیمه چکره ساکن است. در تفکر تنتره‌ای، شکتی^۷ همان مقام کاندالی خوانده می‌شود. زمانی که نیروی شکتی به واسطه انجام عمل یگه‌ای بیدار شود و بدرخشد، در ذهن سالک احساس لذت هیجان‌انگیزی به ظهور می‌رسد که بهجت و شادی خوانده می‌شود. این احساس لذت در وجود سالک تا حد زیادی مادی است. سپس ذهن سالک به سوی بال حرکت می‌کند و

1. Dasgupta, *Obscure Religious Cultes*, pp.108-109.

2. dharma-megha

3. Dasgupta, *Obscure Religious Cultes*, p.109.

4. Candali

5. Dombi

6. sahasvarupa

۷. برای اطلاعات بیشتر در این باره رک: «معرفی فلسفه آیین شکتی» پایان نامه کارشناسی ارشد اعظم صاحبی به راهنمایی سعید گراوند که در دانشگاه شهید مدنی آذربایجان در دست تدوین است. و نیز رک: هادی نیا، محبوبه، «مقاله آیین پرستش شکتی در مکاتب شیوایی»، پژوهشنامه ادیان، سال ۲، ش ۳، ۱۳۸۹ ش.

- Chatterji, U., "Shakta and Shakti", *Studies in Comparative Religion*, vol.2, no.4, 1968.

- Chitkara, M. G., "Tantric Buddhism", *Encyclopedia of Buddhism*, vol.11, A World Faith Main Currents in Buddhism, A.P.H. Publishing Corporation.

- Padoux, A., "Hindu Tantrism", *Encyclopaedia of Religion*, Mircea Eliade(ed.), vol.14, New York, Macmillan, 1987.

- Woodroff, J., *Śakti and Śakta*, Madras, 1969.

به عنوان دومبی درمه چکره را روشن می‌کند، لذتی که در این مرحله ایجاد می‌شود پارام آنانده^۱ خوانده می‌شود که هنوز کامل نیست و رنگ مادی دارد. زمانی که شکتی به سمبهوگه چکره می‌رسد، لذتی را در سالک ایجاد می‌کند که دارای سرشتی متعال و فرا دنیوی است. اما لذت واقعی زمانی ایجاد می‌شود که شکتی به ساهاسرارا یا مهاسوکه چکره برسد. در چنین حالتی شکتی سهجه شاندری یا دوشیزه سهجه نام دارد. لذت حاصل شده در این مرحله از سلوک نیز سهجه آنانده یا سهجه مهاسوکه خوانده می‌شود که دارای لذت و سعادت ازلی است.^۲

لذت جاودانه و انجام اعمال سرّی

پیروان سنت تنتره بر این عقیده‌اند که سعادت ابدی و لذت جاودانه از طریق انجام یُگه‌ای جنسی و کنترل بودی‌چیتة تحقق می‌یابد، یعنی با بررسی جریان رو به پایین آن با فنون دقیق یُگه‌ای و با سوق دادن آن در مسیری رو به بالا تا آن جا که به نیلوفر واقع در ناحیه مغز برسد و در آنجا ثابت شود، سعادت‌مندی به ظهور می‌رسد. در واقع هدف منتره‌های بودایی تولید بودی‌چیتة یا اندیشه نیل به اشراق و روشن‌شدگی است که اغلب به صورت منی ظاهر و تأویل می‌شود و به عنوان مقام مهاسوکه توصیف می‌شود. این هدف به واسطه فنون و روش‌های یُگه‌ای و مراقبه‌ای بر مجراهای انرژی جسم ظریف به انجام می‌رسد و با نمایش واقعی از آمیزش و اتحاد پرجنا و اوپایه تحقق می‌یابد. این آمیزش پرجنا و اوپایه منجر به ادراک مستقیم حقیقت خلاء همه امور و سعادت و لذت بی‌کران می‌شود که در سنت تنتره مهاسوکه یا لذت جاودانه خوانده می‌شود.^۳ این لذت جاودانه به نظر می‌رسد که خود خدای مطلق و سرور بزرگ بودا است. خداوند بودا (آمیتابه بودا)، در بهشت سوکاواتی^۴ توصیف شده جایی که سرور بزرگ سعادت در ذاتش به عنوان پروردگار متعال در آن ساکن است. بر همین اساس در هوجره-تنتره^۵ می‌بینیم که بهگوان^۶ ماهیت حقیقی

1. paramananda

2. Bhattacharyya, pp.274-75; Dasgupta, *Obscure Religious Cultes*, pp.115-125.

3. Young, p.136.

4. Sukhāvati

5. Havajra-tantra

6. Bhagavān

اش را برای بودی ستوه و جره گریه^۱ شرح می دهد و می گوید: «من وجود و عدم هستم. من بودایی هستم که کاملاً به اشراق رسیده است. زیرا درباره حقیقت همه اشیا و امور معرفت کامل دارم. افراد نادان هرگز نمی توانند چیزی درباره من بدانند، من در سوکاوای فرج زن و جره^۲ ساکنم که منزل و مسکن ذات همه بوداسفها و بوداهاست. من واعظ و خود دین هستم. من خود شنونده و مخاطب ام. من خدا و شهریار جهانم. من ذات جهان هستم و هر چیزی که متعلق به جهان است. ماهیت من از تقدس لذت نامتناهی و سعادت جاودانه برخوردار است. من مانند نوری در تاریکی دین و ایمان هستم، من دارای ۳۲ نشان (بزرگی) هستم، من با هشتاد رمز و نشانه پروردگارم؛ من در سوکاوای فرج همتای مادینه در نام "منی" سکنی گزیده ام»^۳.

نقش اوراد و اذکار در نیل به لذت جاودانه

در تন্ত্রه بودایی کاربرد منترها یا اوراد و اذکار در امکان وصول به لذت جاودانه و سعادت عظمی بسیار مهم و اساسی است. از این رو این مکتب معمولاً توسط پیروانش به عنوان منتره یانه یا چرخ منتره ها (اوراد و اذکار) مورد اشاره قرار می گیرد.

به نظر می رسد که بیشتر منتره ها متشکل از رشته ای از سیلابها هستند که معنای ریشه شناختی شان را از دست داده اند و یا اینکه هرگز معنای خاصی نداشته اند. داسگوپتا به نقل از واسوبندو در رساله فضایل بودی ستوه می گوید که بی معنایی مطلق، معنای واقعی منتره ها است. سالک بر منتره ها به منزله چیزی کاملاً بی معنا مراقبه می کند و این مراقبه دائم بر بی معنایی منتره ها به تدریج منجر به حالتی می شود که در آن مراقبه بر ماهیت غایی دهرمه ها به صورت کاملاً بی معنا برای ذهن بسیار آسان خواهد بود؛ این بی معنایی ماهیت خلاء دهرمه ها است و بنابراین مراقبه بر منتره ها به تدریج سالک را به درک ماهیت خلاء دهرمه ها و لذت جاودانه رهنمون می شود. بنابراین اهمیت و نیروی واقعی منتره ها در بی - معنایی مطلق آنهاست و اوراد و اذکار صرفاً به عنوان ابزاری کمکی برای درک ماهیت خلاء

1. vajragarabha

2. sad-vajra-yoşit

3. Dasgupta, *An Introduction to Tantric Buddhism*, p.157.

مطلق جهان در نظر گرفته می‌شوند.^۱ برخی دیگر بر این باورند که بی‌معنایی منترها به معنای نامفهوم بودن و غیر قابل درک بودن معنای سرّی منترها برای انسان عادی است. اما در تفکر تتره‌ای منترها حاوی معانی بسیار عمیق و مهمی هستند. حتی زمانی که خود کلمات به صورت طبیعی قابل فهم هستند، منتره نمی‌تواند معنایی اساسی دیگری جز معنای آیینی مورد نظر داشته باشد. از این رو، مفهوم بودن در درجه دوم اهمیت قرار دارد، آنچه که اصلی است و اهمیت و اولویت بیشتری دارد معنای فوری و خود به خود یک منتره خاص برای کسانی است که به کاربرد مناسب آن آگاه شده‌اند.^۲ سالکان تتره‌ای باید دریابند که معانی مرسوم و قراردادی کلمات ثابت و معین نیستند و معنای هر چیزی در ذهن بیننده است. منتره‌ها آن معنایی را دارند که لازم است در بافت یک عمل خاص داشته باشند. بنابراین منتره قدرت پنهانش را تنها برای کسانی که تشرّف یافته‌اند و به معنا و اهمیت درونی منتره‌ها آگاه شده‌اند آشکار می‌نماید.

منتره‌ها نیایش آیینی بوداها، اوراد جادویی نیایش‌ها و یا ترکیبی از اینها هستند. سالکان تتره‌ای برای وصول به مقام سعادت جاودانه، منتره‌ها را برای ایجاد ارتباطات گرمه‌ای بین خود و خدایان تکرار می‌کنند. آنان همچنین عمل تکرار منتره‌ها را به منظور بازسازی و تغییر ساختار معرفتی مؤثر برای درونی نمودن صفات الهی که منتره‌ها نشان می‌دهند انجام می‌دهند. به عنوان مثال کسی که به دنبال توسعه فضیلت و شفقت در خود است ممکن است منتره اولوکیثواره را که تجسم این صفت است تکرار کند. در واقع هدف از تکرار منتره‌ها درک این‌همانی خود با خدا است. گفته می‌شود که هر خدا دارای یک شکل صوتی یا منتره است که در ذهن مجسم می‌شود. در واقع خدای متعال خود دارای یک شکل صوتی^۳ است که خاستگاه و منشأ همه زبان‌ها و واقعیات است. از منظر نجات‌شناسی منتره‌ها مظاهر فیض الهی هستند که خدا آنها را فراهم آورده تا افراد به واسطه آنها بتوانند خود را از چرخه رنج‌رهایی بخشند.^۴ تکرار منتره یک عمل و فعالیت صرفاً ظاهری نیست که در آن سالک اصواتی را ادا می‌کند، آن در وهله اول عملی است برای نیل

1. Ibid, p.66.

2. Snellgrove, p.200.

3. nada

4. Dasgupta, p.177.

به مقام سعادت‌مندی و سیر تحول معرفتی و وجودی سالک. از این رو است که گفته می‌شود، که منترها به این علت مؤثر هستند که کمک می‌کنند تا ذهن را آرام و ساکن نگاه داریم. منترها ذهن را آماده پذیرش نوسانات بسیار دقیق می‌کنند و در نتیجه ادراک را تعالی می‌بخشد. قرائت منترها حالت‌های منفی ذهن را از بین می‌برد و بنابراین ذهن که پاک شده، این توانایی را به دست می‌آورد تا ماهیت حقیقی امور را فهم کند. در حقیقت با تمرین و تکرار یک منتره می‌توان همه انرژی‌های آلوده و ناپاک ذهن، جسم و کلام را پاک نمود.

منتره اثر بیرونی ندارند بلکه اکسیری معنوی است که با رفتن به سوی سعادت و تجربه آزادی ذاتی خود در درون مؤثر واقع می‌شوند. البته منترها تنها زمانی چنین اثری را به دنبال دارند که با مراقبه و تمرکز، یعنی با تربیت درست جان همراه شوند، زیرا آنها نمی‌توانند فشار کرمه را که حجاب راه بینش‌رهایی بخش‌اند، از میان بردارند.^۱ بیان و ذکر منتره بدون معرفت به معنای آن یا بدون توجه به شیوه آن چیزی جز جنبش لب‌ها نیست و باعث به خواب رفتن منتره می‌شود. البته خواندن ظاهری منتره برای تربیت و تمرین به کار می‌رود. با تمرکز بر معنای منتره آنگونه که توسط گورو شرح داده می‌شود و با آشکار شدن قدرت‌های فراطبیعی منتره، سالک توانایی پنهان منتره را برای آگاهی و نیل به مقام سعادت و لذت جاودانه تحقق می‌بخشد.

نتیجه

در این پژوهش با بررسی متون و بحث‌های ارائه شده درباره مسئله نیروانه که در آیین بودا کمال مطلوب و مطلوب غایی همه انسان‌ها تلقی می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت که از همان دوره اولیه نیروانه اگرچه نه در مفهوم دقیق فلسفی بلکه به شیوه‌ای معمولی تفاسیر و تعبیر مثبتی پذیرفته است و گاهی آن نه تنها مثبت بلکه به عنوان سعادت متعالی و مقام روشنایی درون توصیف شده است. پیروان تنتره‌ای آیین بودا این درک از نیروانه را در ادبیات و آثار خود به عنوان سعادت متعال یا مقام مهاسوکفه به تفصیل شرح و بسط داده‌اند. در آئین تنتره

۱. شومان، هانس ولفگانگ، آئین بودا (طرح تعلیمات و مکتب‌های بودایی)، ترجمه ع. پاشایی، نشر فیروزه،

بودایی ذات نیروانه، سعادت و لذت جاودانه است که برترین مرحله کمال و شکوفایی معنوی است. همانطور که در سنت مهاییانه نیروانه به عنوان حقیقت غایی یا دهرمه کایه تعبیر شده در سنت تন্ত্রه‌ای نیز مهاسوکه وجود مطلق و حقیقت غایی تفسیر می‌شود که ذات و جوهر همه امور است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که لذت جاودانه و سعادت عظمی چیزی از جنس ادراک عقلی نیست بلکه وضعیتی کامل‌تر است که همه ساحت وجودی انسان را در بر می‌گیرد. شگفت است که در تفکر تন্ত্রه‌ای این واقعیت و حقیقت متعالی تنها به واسطه جسم و لذا اید جسمی و جنسی درک می‌شود و گفته می‌شود ضرورت جهان پدیده‌ها برای فهم عمیق‌تری از مهاسوکه و لذت جاودانه است.

هدف اصلی آئین تন্ত্রه وصول به حالت و مقام مهاسوکه است. مهاسوکه یک تجربه واقعی از سعادت است. یک تجربه کاملاً جسمانی و روانی، که با فراتر رفتن از ساحت اندیشه و افکار استدلالی حاصل می‌شود. تجربه‌ای که از طریق انجام اعمال و فنون یگه‌ای حاصل می‌شود. در واقع مفهوم مهاسوکه محور اساسی همه اعمال سرّی بودائیان است. بر این اساس، جسم انسان صرفاً واسطه‌ای برای شناخت و تجربه ماهیت حقیقت متعال یا مهاسوکه به‌شمار می‌رود. بنابراین می‌توان گفت تন্ত্রه یک سادنا یگه‌ای صرفاً عملی جنسی نیست بلکه فرایندی باطنی و سرّی برای تجربه معنوی سعادت متعال یا مهاسوکه می‌باشد. همچنین از منظر پیروان آئین تন্ত্রه عمل به آیین‌های سرّی و انجام اعمال یگه‌ای سبب بیداری بودی چیتة و در نهایت تجربه سعادت و لذت جاودانه می‌شود. این سعادت جاودانه که به واسطه اتحاد عنصر خلاء و وجره و طی مراحل ایجاد می‌شود ماهیتی وصف‌ناپذیر دارد که بر اساس گزارش متون تন্ত্রه‌ای و رای هر شرح و توضیحی است. افزون بر این، از منظر متون تন্ত্রه‌ای اوراد و اذکار (منترها) نقش بی‌بدیل و مستقیمی در امکان نیل آدمی به سعادت و شکوفایی معنوی دارند.

منابع

- پاشایی، ع.، تاریخ آیین بودا، فراسوی فرزائگی (پرگیاپارمیتا)، ج ۲، نگاه معاصر، تهران، ۱۳۸۰ ش.
- راداکریشنان، سروپالی، تاریخ فلسفه شرق و غرب، ترجمه خسرو جهانداری، ج ۱، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۶۷ ش.

- شومان، هانس ولفگانگ، آئین بودا (طرح تعلیمات و مکتب های بودایی)، ترجمه ع. پاشایی، نشر فیروزه، تهران، ۱۳۶۲ش.

- Benton, "Salvation", *Encyclopedia Britannica*, Macropedia, vol.1, Chicago, 1973.
- Bhattacharyya, Benoytosh, *An Introduction to Buddhist Esoterism*, India, the Chowkhamba Sanskrit Series Office, 1964.
- Bibhuti, Baruah, *Buddhist Sects and Sectarianism*, NewDlhi, Sarup & sons, 2000.
- Brooks, Douglas Renfrew, *The Secret of Three Cities, An Introduction to Hindu Sakta Tantrism*, New Delhi, Munshiram Manoharlal, 1999.
- Chatterji, U., "Shakta and Shakti", *Studies in Comparative Religion*, vol.2, no.4, Autumn 1968.
- Chitkara, M. G., "Tantric Buddhism", *Encyclopedia of Buddhism*, vol.11, A World Faith Main Currents in Buddhism, A.P.H. Publishing Corporation.
- Chryssides, George, Wilkins, Margaretz, *A Reader in New Religious Movements*, New York, Continuum, 2006.
- Dasgupta, S., *A History of Indian Philosophy*, vol.2, Cambridge, Delhi, Motillal Banarsidass publishing, 1973.
- Dasgupta, Shashi Bhusan, *An Introduction to Tantric Buddhism*, Calcutta, Calcutta University Press, 1950.
- Idem, *Obscure Religious Cultes*, Calcutta, Calcutta University Press, 1946.
- Dasgupta, Surendranath, *Philosophical Essays*, India, University of Calcutta, 1941.
- Joshi, Lamani, *Studies in the Buddhistic Culture of India*, Delhi, Motilal Banarsidass, 1998.
- Kalupuhana, Daidj, *Buddhist Thought and Ritual*, Motilal Banarsidass, Delhi, 2001.
- Kasulis, P., "Nirvana", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade(ed.), vol.10, New York, Macmillan, 1987.
- Khanna, Madhu, "Yantra", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade(ed.), Vol.15, New York, Macmillan, 1993.
- Lokeshwarananda, Swami, *Studies on the Tantras*, Calcutta, the Ramakrishna Mission Institute of Culture, 1989.
- Padoux, A., "Hindu Tantrism", *Encyclopaedia of Religion*, Mircea Eliade(ed.), vol.14, New York, Macmillan, 1987.
- Poussin, DeLa Wallee, "Mahayana", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed.), vol.8, New York, 1989.
- Rhys Davids, "Arhat", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, James Hastings(ed.), vol.1, New York, 1989.
- Trungpa, Chogyam, *The Heart of the Buddha*, Boston & London, Shambhala, 2010.
- Wangchuk, Dorji, *The Resolve to Become a Buddha A Study of the Bodhicitta Concept in Indo-Tibetan Buddhism*, Tokyo, International Institute for Buddhist Studies, 2007.
- Wayman, Alex, *Buddhist Insight-Essays*, Edited with an Introduction by George Elder, Delhi, Motilal Banarsidass, 1984.

- Woodroff, J., *Śakti and Śakta*, Madras, 1969.
- Young, Serinity, *Courtesans and Tantric Consorts (Sexualities in Buddhist Narrative, Iconography, and Ritual)*, New York, Routledge, 2004.